دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۷ در میان بگذارید.

معاون وزیر راه در گفت‌وگو با آفتاب یزد:

فیزیک برخی از خانه‌ها منشاء بزهکاری است

شما این کوچه‌های تاریک تو در تو و بن بست که غیرقابل نظارت هست را ملاحظه کنید متوجه می‌شوید که کار چقدر دچار مشکل است

آفتاب یزد- گروه گفت‌وگو: سیاست‌های دولتی در حیطه مسکن از ابعاد متفاوتی برخوردار است. افزایش قیمت مسکن طی چند ماه اخیر موجب شده توجه به نوسازی بافت فرسوده در دستور کار جدی دولت واقع شود. گرچه مدیریت شهری در شهرها به خصوص تهران سیاستگذاری‌های متعددی را در دستور کار قرار داده از جمله مسکن امید ؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به گران شدن قیمت مسکن، اکنون زمین و ملک فرسوده قابل بازآفرینی در کانون توجه بیشتر دولت قرار دارد.

با این حال بخش زیادی از بافت‌های فرسوده شامل سکونتگاه‌های غیر رسمی در حاشیه شهرهاست که مستعد شیوع انواع بزهکاری هستند. سیل گسترده مهاجران از روستا به حاشیه شهرها مشکلات گسترده‌ای را به بار آورده و عملا دولت را با معضل اجتماعی و اقتصادی ناشی از این موضوع مواجه کرده است.

در همین زمینه سیدمحمد پژمان، معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با حضور در روزنامه آفتاب یزد و در گفت‌وگو با خبرنگار این روزنامه ابعاد بیشتری از این موضوع را مورد بررسی و کندو کاو قرار داده که پی می‌آید.

بازآفرینی بافت‌های فرسوده چه معیارها و چارچوب‌هایی دارد؟

بحث نوسازی و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری از جمله موضوعاتی است که هر کس از زاویه خاصی آن را مهم می‌پندارد. طی سه برنامه توسعه میان مدت کشور و برنامه ششم این موضوع مورد توجه بوده و حاکی از اهمیت چنین طرحی است که در احکام برنامه هم مورد توجه واقع می‌شود.

> **مسئولان ارشد نظام هم به شدت روی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری تاکید دارند و حتی وزیر هم تاکید دارد که جلسه‌ای نبوده که آقای رئیس جمهور ایشان را ببینند و از این موضوع سوالی نکند. به دغدغه آقای روحانی در این موضوع فروکش نمی‌کند**

مسئولان ارشد نظام هم به شدت روی بافت‌های فرسوده شهری تاکید دارند و حتی وزیر هم تاکید دارد که جلسه‌ای نبوده که آقای رئیس جمهور ایشان را ببینند و از این موضوع سوالی نکند. به قدری اهمیت موضوع بالاست که دغدغه آقای روحانی در این موضوع فروکش نمی‌کند.

از دید ما این موضوع از ۳ وجه خیلی مهم است؛ یکی اینکه الان بافت‌های فرسوده یا سکونتگاهای غیر رسمی مرتبط با پیچیده ترین مسائل اجتماعی و آسیب‌ها شده و بزهکاری در این بخش‌ها قابل توجه است این امر برای ساکنان این مناطق خطرآفرین است ضمن آنکه این بزهکاری‌ها سرایت پذیر است و بقیه محدوده‌های شهر را هم آلوده می‌کند. طبعا این یک معضل اجتماعی است که همه مسئولان را به فکر انداخته تا راهکاری برای این موضوع پیدا کنند.

مطلب دوم این که این بناها و سکونتگاه‌هایی که سر پا شده یا ساخته شده‌اند اینها خیلی مقاوم نبوده و به این دلیل که استحکام کافی ندارند مناسب زیست استاندارد نیستند از طرف دیگر بناهای تازه ساخت در این محدوده‌ها هم بناهایی بی استحکام و فاقد استاندارد است که غیر مقاوم هستند به این خاطر که اینها غیرقانونی ساخته شده و از سر اضطرار و ناچاری بدون رعایت ملاحظات استاندارد بنا شده اند.

این محدوده‌ها بالغ بر ۲۰ میلیون جمعیت کل کشور را در خود جای داده و ۵ میلیون و ۷۰۰هزار خانوار را درگیر خود کرده‌اند و نزدیک به ۱۴۰ هزار کتار محدوده شهری درگیر این موضوع است که در این بین این نگرانی ایجاد شده که اگر حادثه‌ای مثل زلزله رخ دهد چه خسارت عظیم انسانی و اجتماعی ایجاد خواهد شد؟

نکته سوم اینکه اگر بخواهیم این آسیب‌ها را برطرف کنیم با ۵ شش میلیون واحد مسکونی روبرو هستیم که نیاز به بازسازی و نوسازی دارند که عدد بزرگی است که می‌تواند رونق اقتصادی بخش مسکن را به همراه داشته باشد.

اگر به این مسئله نوسازی بافت‌های فرسوده ورود هدفمندی صورت گیرد هم بر موضوع بزهکاری‌های اجتماعی غلبه کرده ایم هم رضایتمندی و رفاه مردم در مناطق مورد نظر فراهم می‌شود و هم خود این اقشار که بیشترشان کارگری هستند بیشترین خدمات را به بخش مسکن کشور می‌دهند و باعث ایجاد اشتغال و درآمد برای خودشان هم می‌شوند.

در ۱۴۰ هکتار بافت فرسوده شهری ایران بالغ بر ۵.۷ میلیون واحد مسکونی وجود دارد و بالغ بر ۲۰ میلیون نفر جمعیت در آنها سکونت دارند، در دولت جمهوری اسلامی ایران این اراده جدی وجود دارد که این ناپایداری و غیرمقاوم بودن بنای سکونتی در محدوده‌های هدف بازآفرینی، کمبود خدمات و سرانه‌های خدماتی و نارسایی زیرساختی آنها هر چه سریعتر برطرف شود.

محور فعالیت و اقدامات شما بر پایه چه معیارهایی است؟

در مجموع ذکر این نکته حایز اهمیت است که چندین موضوع جدی و اساسی برای اجرای سیاست بازآفرینی شهری وجود دارد که اصلی‌ترین آنها موضوعات اجتماعی، پذیرش ساکنان بافت‌های فرسوده برای همکاری، جابه‌جایی و تغییر نوع سکونت است. امیدواریم با توجه به تجارب خوب بتوانیم فقر اقتصادی بافت‌های فرسوده چه به جهت عمومی چه خانوار و چه محدوده بافت‌های فرسوده که فاقد امتیازات سایر نقاط شهری هستند را برطرف کنیم.

آیا غلبه کردن بر چالش‌های زیر ساختی که مطرح کردید به سادگی قابل تحقق است؟

اینکه خانه‌ای را بکوبیم و نو کنیم به این سادگی میسر نیست. ما در این بحث با موضوعات پیچیده و لایه به لایه‌ای روبرو هستیم و معادلات حاکم بر این بخش سنگین است. در واقع ما با یک موضوع فرهنگی و اقتصادی روبرو هستیم که سهم هر بخش جداست. مسائل فنی و اجرایی این موضوع چارچوب‌های خاص خود را می‌طلبد.

همین حالا که ما داریم با شما صحبت می‌کنیم هر لحظه این بافت‌های فرسوده در حال تکثیر و تولید است و دایم در حال افزایش است. پارسال ما با یک عدد روبرو بودیم امسال این عدد در خصوص اینگونه سکونتگاه‌ها بیشتر شده است. گزافه نیست که این افزایش در حال رخ دادن است.

طبیعی است که این افزایش به صورت اتوماتیک وار گسترده می‌شوند؟

البته به طور طبیعی مرور زمان بافت‌ها را دچار فرسودگی می‌کند و نبود نظارت خود به تکثیر این موارد دامن می‌زند متاسفانه ما در این چند دهه از باب نگاه‌های توسعه‌ای برای محرومیت زدایی با وضعیت متفاوتی روبرو بوده ایم. اوایل انقلاب نسبت جمعیت شهرنشین ۳۰ درصد بود و روستانشین ۷۰ درصد. الان این قضیه برعکس شده است یعنی ۲۵ به ۷۵ به نفع شهرنشینی!

معادله معکوس شده و این حجم جابه‌جایی بدون برنامه ریزی معلوم است که تبعات دارد.

در کشور با وجودی که برنامه ریزی برای ماندگار کردن جمعیت در روستاها و سرازیر نشدن آنها به شهرها همواره وجود داشته این بالانس جمعیت و توسعه متوازن در بخش‌ها دچار به هم ریختگی شده است. ۷۵ درصد جمعیت شهر نشین الان ما یعنی نزدیک به ۵۰ میلیون جمعیت کشور شهرنشین هستند ۳۸ درصد آن در ۸ شهر است یعنی ۶۲ درصد جمعیت در ۱۲۷۰ شهر دیگر پراکنده شده است.

تلاش زیادی صورت گرفت تا از روستاها به سمت شهرها سرازیر نشوند چون موضوع اصلی مسائل اقتصادی و رفاهی کشور بود برخی فکر کردند با مشاغلی چون سیگار فروشی چند برابر کار روی زمین درآمد کسب می‌کنند پس به سمت شهر آمدند در نتیجه اشتغال مولد از بین رفت. این جابه‌جایی مدیریت نشده جمعیت یک روستایی را ناگهان وارد عرصه شهری کرد که ذاتا هیچ تناسب اجتماعی با آن موضوع نداشت. به لحاظ اقتصادی هم این جابه‌جایی خودخواسته مشکلاتی ایجاد کرد چون بدون برنامه ریزی بود. قوای مملکت هم دست به کار شد تا مانع آمدن اینها بشود حتی محرومیت‌هایی ایجاد شد تا نیایند اما مهاجران همچنان آمدند.

الان هم این روند ادامه دارد. همین امروز هم این جریان در حال تداوم به همان شکل بازگو شده و این یک مصیبت بزرگ است به این معنی که ما هر قدر تلاش برای اصلاح این بافت‌ها داشته باشیم باز هم به موازات آن سرعت جمعیت مهاجر به سمت شهر بیشتر می‌شود.

راهکار اصلاح موضوع چیست؟

خب این را باید کسی چاره جویی کند و بالانس کردن این قضیه به اقتصاد کلان و آمایش سرزمین و توزیع مناسب ثروت و خدمات مرتبط می‌شود. عقل سلیم می‌گوید هر جا پول و رفاه بود باید به آن سمت رفت عقل مهاجر درست کار کرده حال اگر آسیب ایجاد شده ما باید اقدامی انجام دهیم.

نقش تکنولوژی‌های جدید ساخت و ساز که امروزه در جهان اهمیت زیادی هم یافته و خانه‌هایی را به صورت سبک با زیر ساخت محکم و استاندارد در عرض چند ماه می‌سازند در ایران امروز کجاست؟ به خصوص که پروسه ساخت و ساز در ایران بعضا سالها به طول می‌انجامد و در عین حال پرهزینه و بی‌کیفیت هم هست؟

> **متاسفانه ما از تکنولوژی‌های نوین در صنعت ساختمان خیلی کم استفاده می‌کنیم. یعنی الان نسبت تولید اینگونه کارها در کشور چه به صورت انبوه چه غیر انبوه بسیار کم است. متاسفانه ما خصوصا در پارامتر کیفیت ساخت دچار مشکل هستیم یعنی سازندگان ما با ۴ تا خشت روی هم گذاشتن و کفایت کردن به حداقل‌ها، تدریجی کار را پیش می‌برند و تصور می‌کنند برایشان مقرون به صرفه است و هر جا بتوانند کم می‌گذارند، این کم گذاشتن‌ها در ساخت و ساز نوین قابل انجام نیست. سازندگان هزینه بالای ساخت و ساز نوین را بهانه می‌کنند**

متاسفانه ما از تکنولوژی‌های نوین در صنعت ساختمان خیلی کم استفاده می‌کنیم. یعنی الان نسبت تولید اینگونه کارها در کشور چه به صورت انبوه چه غیر انبوه بسیار کم است. شیوه جدید ساخت و ساز ۳ مولفه را در بر می‌گیرد: سرعت، کیفیت و قیمت کم. اما متاسفانه ما خصوصا در پارامتر کیفیت ساخت دچار مشکل هستیم یعنی سازندگان ما با ۴ تا خشت روی هم گذاشتن و کفایت کردن به حداقل‌ها، تدریجی کار را پیش می‌برند و تصور می‌کنند برایشان مقرون به صرفه است و هر جا بتوانند کم می‌گذارند، این کم گذاشتن‌ها در ساخت و ساز نوین قابل انجام نیست. سازندگان هزینه بالای ساخت و ساز نوین را بهانه می‌کنند.

الان در جهان ساخت و سازهای مسکونی چند طبقه به سبک جدید هم انجام می‌شود موارد زیادی بوده است؟!

بله، شدنی هست اما با شرایطی که ما داریم این موضوع سخت جا می‌افتد. الان بزرگترین شکل نوین سازی ما قالب تونلی است یعنی کسی بخواهد این قالب را بخرد و یک یا ۲ طبقه بسازد خیلی بهتر و مقرون به صرفه است. باید ذائقه مردم به سمت پیش ساختگی برود چون هم سرعت هم کیفیت و هم قیمت آنها بسیار بهتر است. اما به دلایل مختلف ما نتوانستیم این موضوع را در کشور جا بندازیم. برای مردم باید مزیت‌های سبک سازی و جدید سازی باید بیان شود از جمله مزیت‌های این شیوه، ضد زلزله بودن و ضد آتش‌سوزی بودن خانه‌های سبک است و از هرلحاظ بهتر است.

چرا ساختمان‌های نوساز فرسوده تلقی می‌شوند؟ آیا مصداقی برای این موارد دارید؟ مثل انبوه سازی‌های دولت قبل؟ تصاویر ترک خورده خانه‌های نوساز و این موارد؟

مشکلی که ما الان با آن روبرو هستیم این است که کیفیت ما در ساخت و سازها پائین است غیر از سازندگانی که دنبال لاکچری سازی برای انتفاع بیشتر هستند و هر قدر لاکچری تر بسازند سودشان بیشتر است. ولی وقتی برای اقشار متوسط به پائین مبادرت به ساخت و ساز می‌شود با نگاه به وسع اقتصادی افراد. در مسکن مهر، متقاضی، سازنده و بانک طرف ماجرا بودند وقتی کار به قرارداد با ارقام پائین می‌رسد و وضعیت تورمی هم تاثیر می‌گذارد تنها راه برای سازنده یا پیمانکار این است که برای عمل به تعهدات از سر و ته کار بزند یک قاعده هست که هر چقدر پول بدی آش می‌خوری. اما ما مردم ایران آش خوب را می‌خواهیم با بهترین کیفیت اما با پول کم. به جهت اینکه نتوانستیم به اشتغال مناسب برای مردم که رفاه و اشتغال قابل‌قبول برای آنها ایجاد کند، فراهم کنیم طبیعتا این وضع هست. در تمام جاهای دنیا ممکن است افراد نتوانند ابزارهای لاکچری برای ساخت و ساز را در اختیار داشته باشند اما به جهت کیفیت و استحکام بنا از درجه خاصی پائین تر نمی‌تواند قابل قبول باشد حتی یک طبقه اجتماعی پائین ایمنی محل سکونتش هیچ جور قابل اغماض نیست. یعنی محلی که برای زندگی این افراد ساخته می‌شود به لحاظ کیفیت بنا و استحکام باید صد درصد استاندارد باشد. حالا اینکه کابینت، کف یا بخش‌هایی از آن لوکس نباشد موضوعاتی است که به توان مالی افراد بستگی دارد اما اساس آن قابل اغماض نیست. با این حال شرایط اقتصادی باعث می‌شود گاهی سازندگان کوتاهی کنند.

آیا بررسی خاصی در خصوص فرسوده تلقی شدن بناهای تازه ساخت صورت گرفته است؟

ساختمان‌هایی که ما در کشور می‌سازیم و ۲۵تا ۳۰ سال قدمت و سن دارد گواه بر کیفیت پائین ساخت و ساز است. چرا باید خانه‌های ساخته شده ظرف ۳۰ سال کلنگی شوند ؟ اقشاری که در حاشیه‌ها ساکن می‌شوند اصلا موضوعشان کیفیت ساختمان نیست، چون اینها غیرقانونی است و اجازه ساخت نمی‌دهند. نکته دیگر اینکه چون این سکونتگاه‌ها را به صورت خلاف می‌سازند اصلا وقت نمی‌گذارند بلکه دنبال سر هم کردن هستند تا خواسته شان محقق شود یعنی به دنبال ایجاد دیوار و سقفی هستند در نتیجه به دنبال رعایت اصول ساخت و ساز نیستند. شبانه و در تاریکی و از سر عجله می‌سازند. این کارهای بی کیفیت همینطور دارد اتفاق می‌افتد.

آیا این بازآفرینی‌های بافت‌های فرسوده در کاهش بزه اجتماعی تاثیر دارد؟

خیلی جاها همین فیزیک خانه‌ها منشا بزهکاری است. شما این کوچه‌های تاریک تو در تو و بن بست که غیرقابل نظارت هست را ملاحظه کنید متوجه می‌شوید که کار چقدر دچار مشکل است.

اگر بخواهیم مصادیقی بیان کنیم کوچه و خیابانهای فاقد روشنایی یا مکان‌های بدون نظارت اجتماعی نمونه‌های خوبی است. گاهی در برخی محلات بزه به حدی شدید است که ماموران نظارتی هم جرات ورود ندارند. در چنین محیط نا امن و مفید برای رشد بزه می‌شود کالبد و فیزیک مستعد برای اتفاقات خلافکاری. چنین مکان‌هایی درگاهی برای رشد خلافکاری می‌شود که طعمه‌ها را به سمت خود می‌کشند. کالبد و فیزیک اقتضای چنین رشدی را دارد. ضمن اینکه این افراد به خاطر تزلزل و چندگانگی فرهنگی و اجتماعی تناسب و نسبتی با کالبد جدید و محله‌ای که به آن مهاجرت کرده، ندارد در چنین بی هویتی مطلقی یک موج مخرب می‌تواند این فرد مستعد بزه را به هر نقطه‌ای بکشاند.

این محلات قابل شناسایی هستند ما دچار محدودیت هستیم اما همین الان وقتی از عنوان سکونتگاه غیر رسمی استفاده می‌کنیم به ما معترض می‌شوند که بار منفی دارد یعنی ما حتی نمی‌توانیم بگوییم فلان محله وضعش خراب است. من مواردی را سراغ دارم که مثلا در شهر مشهد ۷۰درصد جرم و جنایت از یک محله خاص ناشی می‌شد. سکونتگاه غیر رسمی یعنی غیرقانونی اما ما آن را تلطیف کردیم به غیررسمی اما در نهایت غیرقانونی هستند ما باید متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد سیاستگذاری کنیم آیا می‌شود فارغ از این امر نسخه‌ای که تناسبی با وضعیت اجتماعی اقتصادی ندارد، بپیچم؟

باید دید مشکل اینها در مبدا و مقصد چه بوده است. وقتی سوداگران زمینی را ریز می‌کنند و به افراد مهاجر یا کم بنیه اقتصادی می‌دهند فردی که زمین را خریداری کرده کاری به ضوابط شهرسازی ندارد و خیال می‌کند چیزی را که پول داده حق قانونی اوست.

موضوع مسکن اجتماعی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

مسکن اجتماعی نگاه به اقشار فاقد مسکن بود. بحث ما افرادی است که زمینی در اختیار دارند ما هم می‌خواهیم کمبودها و آسیب‌های او را کم بکنیم ولی فرصت سکونت با اصلاحاتی در ساختار و فیزیک به او بدهیم.

> **اینکه خانه‌ای را بکوبیم و نو کنیم به این سادگی میسر نیست. ما در این بحث با موضوعات پیچیده و لایه‌به‌لایه‌ای روبرو هستیم و معادلات حاکم بر این بخش سنگین است. در واقع ما با یک موضوع فرهنگی و اقتصادی روبرو هستیم که سهم هر بخش جداست. مسائل فنی و اجرایی این موضوع چارچوب‌های خاص خود را می‌طلبد**

مسکن اجتماعی اقشاری مثل زوج‌های جوان فاقد بضاعت یا به هر صورت افراد فاقد توان مالی را در بر می‌گیرد که نمی‌توانند مالکیت ملک را داشته باشند. برای همین آمدند مسکنی را احیا کردند که مساحت کمتر داشته و فاقد امکان مالکیت باشد در همه جای دنیا این موضوع مصداق دارد و بیشتر جنبه اجاره‌ای دارد. اینها را حاکمیت یا نهادهای عمومی باید ورود کند چون توان اجاره دادن در افراد نیست اما حقوق و درآمد افراد شفاف است و ضابطه اش این است که ۳۰ درصد درآمد خانوار هزینه مسکن باشد. اما مشکل این است که باید کسی دست به جیب شود برای مسکن اجتماعی و بعد هم اینکه ما در بحث اجاره‌داری تجربه خوبی نداریم و کسانی که می‌آیند ساکن می‌شوند خوب نگهداری نمی‌کنند و در مراودات رفتارهای قاعده مند ندارند.

بازسازی بافت‌های فرسوده اگر به درستی انجام پذیر باشد چقدر تاثیر در قیمت مسکن می‌گذارد؟

هر عرضه‌ای قطعا تاثیرگذار است. با این قیمت‌های امروزی که تشدید می‌شود تقاضا در بخش مصرف یا سرمایه حالات مختلف دارد. تقاضا در بخش مصرف هست اما اسکناس خرید آن موجود نیست. در بخش تقاضای سرمایه‌ای زمین و ساختمان همیشه نقش آفرین بوده اند. از قدیم هر کس دنبال این بوده تکه‌ای زمین یا خانه بخرد و بیندازد. نگاه قلکی به زمین و خانه وجود داشته است که ذخیره ارزش پول محسوب می‌شود اگر یک تعادل اجتماعی ایجاد شود حجم عظیمی از خریدهای سرمایه‌ای بی اثر می‌شود.

ارزیابی شما از قیمت مسکن در چند ماه آینده چیست؟

متصدیان بخش مسکن هم هیچ گاه نمی‌توانند به همچین سوالی پاسخ دهند چون مولفه کلان اقتصاد مرتبط با این موضوع است، اگر قول قطعی درباره سایر پارامترها بتوان داد شاید این سوال قابل پاسخ دادن باشد.

برای اتفاقات غیرمنتظره شهرهای در معرض حادثه، دولت چه برنامه‌هایی دارد؟

ما در کشور یک فرهنگ پیشگیری و پیش نگری که هزینه‌های آن به مراتب کمتر از ۱ دهم است، نداریم. اگر این هزینه‌ها را همین امروز انجام دهیم از ده‌ها برابر هزینه‌های بعدی جلوگیری می‌شود. در بحث سیل اگر دستگاه‌های مختلفی که همین کمک‌های بزرگ را کردند از یک استاندار یا فرماندار به عنوان بودجه پیشگیری می‌خواستند کسی پا پیش می‌گذاشت؟ قطعا نه چون آن را وظیفه خود نمی‌دانند. اما بعد حادثه همه آمدند جلو. چرا این روحیه بخشش را به قبل وقوع حادثه نمی‌آوریم؟ فرصت‌ها و ظرفیت‌ها در حوزه پیشگیری زیاد است و اگر به آن توجه کنیم این همه خسارت نخواهیم داد اما چون این موضوع کمی از خود گذشتگی نیاز دارد محقق نمی‌شود. اگر امروز یک شهردار از من تقاضای کمک کند جواب من این است که تو شهرداری وظیفه من نیست. اگر در حوزه پیشگیری قدری جدی باشیم و هر کس با هر بضاعتی وارد میدان شود یک بازآفرینی رخ داده که همه چیز در آن موجود است.

در بحث اراضی تصرف شده که سکونتگاه‌های غیرمتعارف هم در آن ساخته شده اقدام خاصی انجام شده است؟

بیشتر اراضی دولتی تصرف شده و در آن با ایجاد سکونتگاه‌های غیر رسمی ساکن شده اند. اینها که ساکن هستند هیچ مالکیتی ندارند ببینید ما با چه حجمی از مشکل روبرو هستیم.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

بازآفرینی شهری محوری ترین سیاست جمهوری اسلامی ایران است. در حال حاضر در شهرهای ایران، ۱۴۰ هزار هکتار بافت فرسوده وجود دارد که این بافت‌ها شامل بافت‌های واجد ارزش و تاریخی، سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای می‌شوند.

باز آفرینی شهری پایه اجتماعی هم دارد و ما با پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی زیادی در این مبحث روبرو هستیم. اینکه اگر ما آمدیم و یک آسیبی را کم کردیم باز خود کار ما سرمنشا یک اسیب اجتماعی دیگر نشود گاهی ما با حل یک مشکل با ده‌ها مشکل دیگر روبرو می‌شویم همین در بحث اعتیاد محلات و توزیع مواد اگر فیزیک و کالبد آن محلات را بر هم بزنیم طبعا آنها در سطح شهر پراکنده می‌شوند در نتیجه ما مسئله را حل نکردیم در نتیجه ما نیاز به یک تصمیم جامع با راه‌حل پایدارداریم.

ربیعی و پست سخنگویی دولت

ادامه از صفحه اول

در مجموع اگر محدودیت‌ها و معذوریت‌های دولت و رئیس جمهور را در نظر بگیریم انتخاب ربیعی در قامت سخنگوی دولت، تصمیم قابل قبولی به نظر می‌آید. چراکه او علاوه بر سوابق تجربی در حوزه مسائل اجتماعی دارای قابلیت‌های علمی و عملیاتی قابل قبولی است و همچنین ربیعی دارای خاستگاه مطلوبی به ویژه در میان اقشار آسیب پذیر جامعه است. او یکی از چهره‌های موثر در شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی و یکی از بنیانگذاران خانه کارگر در ایران بوده است. اگرچه او دوره اول دولت روحانی با حضور در وزارت کار، رفاه و تعاون اجتماعی عملا با تهدیدهای اجتماعی مواجه بوده است اما اکنون در شرایطی که حدود ۱۰ میلیون خانوار از مردم ایران در زیر خط فقر هستند، طبعا شاید فرد دیگری بهتر از ربیعی با توجه به همراز پنداری اش با اقشار آسیب پذیر جامعه نتواند ارتباط معناداری با طبقات محروم و فرودست کشور برقرار کند. او به خوبی می‌تواند پیام رسان دوسویه‌ای از سوی طبقات محروم به دولت و انتقال دهنده رویکردهای دولت به طبقات آسیب‌پذیر باشد و افکار عمومی را نسبت به وضع موجود اقناع کند. چراکه فشارهای ناشی از تحریم بیشترین تاثیر خود را بر روی طبقات حقوق بگیر جامعه گذاشته است. بنابراین اگر همه ابعاد بیرونی، داخلی و مشکلات و تجارب مدیریتی ربیعی و خاستگاه اجتماعی و فرهنگی او را لحاظ کنیم او شاید نسبت به سایر کاندیدا از شرایط بهتری برای ایفای نقش در جایگاه سخنگویی دولت برخوردار باشد. به دلیل شرایط خاص کنونی چه بسا سایر گزینه‌ها، حتی آمادگی ایفای نقش برای سخنگویی دولت را ندارند. بنابراین انتخاب وزیر سابق کار، رفاه و تعاون اجتماعی را در شرایط موجود به عنوان سخنگوی دولت باید به فال نیک گرفت.

مفقودی

سند و برگ سبز خودرو سواری ام‌وی‌ام مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۵۴- ۸۴۵ ط ۳۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور MVM484FAFE0031761 و شماره شاسی NATGBAXKXE0031982 متعلق به آقای محمدرضا دهقانی محمدآبادی دارای کدملی ۰۴۹۳۱۲۸۶۹۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

سند و برگ سبز خودرو سواری دوو سیلو مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ایران ۵۴، ۵۵۹ ج ۳۷ به رنگ بژ روغنی به شماره موتور H ۱۲۳۷۰ و شماره شاسی IR811650578999 متعلق به آقای محمدرضا دهقانی محمدآبادی دارای کدملی ۰۴۹۳۱۲۸۶۹۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محسن اکبرزاده شوبی فرزند اصغر به شماره ملی ۲۰۶۴۳۷۵۵۰۳ صادره از بابل در مقطع کارشناسی رشته حسابداری به شماره سریال ۸۳۱۳۵۷۱۶۸۷۶ مفقودگردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا دارد اصل مدرک را به نشانی فیروزکوه دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

مفقودی

برگ سبز خودرو وانت پیکان رنگ سفید مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۷۷ - ۳۷۹ ی ۱۳ و شماره موتور ۱۱۴۹۱۰۰۵۹۵۹ و شماره شاسی NAAAA36AAXCG290036 به نام آرش سجادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

سند کمپانی و سند مالکیت خودرو مزدا ۳۲۳ جی ال ایکس رنگ پشمی متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ایران ۸۵ - ۹۲۱ ب ۵۶ و شماره موتور ZM3F69503 و شماره شاسی BGBASDZM800083 به نام حسن میر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

کارت خودرو سواری سایپا تیبا رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۱۰ _ ۸۳۷ د ۹۴ و شماره موتور ۸۲۱۳۶۷۶ و شماره شاسی NASA11100F5584P9570 به نام احمد سهیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

سند کمپانی و برگ سبز موتور سیکلت PMS CDI رنگ قرمز مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۱۷ - ۷۹۹۷۷ و شماره موتور ۱۵۶FMI0207911 و شماره شاسی N3B125B9010941 به نام علیرضا رحیمی راد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان یزد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
احتراما در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرائی آن اسامی کسانی که برابر آراء صادره از هیئت مربوطه مستقر در ثبت اسناد و املاک نیر تصرفات مالکانه و بلامعارض آنها محرز گردیده است به انضمام مشخصات املاک مورد تقاضا واقع در این حوزه ثبتی به شرح ذیل جهت اطلاع عموم اعلام می‌گردد.
املاک بخش ۴۰ یزد
۳۱۶۱- آقای کاظم مشرف فرزند محمد ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ باغ پلاک برابر واقع در محله راستی سخوید به مساحت ۲۲۲۸ متر مربع برابر رای شماره ۱۳۹۸/۲۰-۱۳۹۸/۱/۲۱ خریداری از علی بمان فلاحی سخویدی مالک رسمی
۳۱۷۳/۱- آقای کاظم مشرف فرزند محمد ششدانگ باغ پلاک برابر واقع در محله راستی سخوید به مساحت ۲۶۱۴ متر مربع برابر رای شماره ۱۳۹۸/۳۳-۱۳۹۸/۱/۲۱ خریداری از علی بمان فلاح سخویدی مالک رسمی
املاک بخش ۴۱ یزد
۲۵۲۵- خانم مریم دهقان نیری فرزند شعبان ششدانگ خانه واقع در نیر خیابان مزرعه نو به مساحت ۵۴۲/۳۰ متر مربع برابر رای شماره ۹۸/۶۸-۹۸/۲/۹ خریداری مع الواسط از خانم ماه خواجه افضلی مالک رسمی
۲۵۲۶- آقای محمدعلی دهقان فرزند شعبان ششدانگ خانه نیمه ساز قسمتی از پلاک برابر واقع در نیر خیابان مزرعه نو به مساحت ۳۶۰/۵ متر مربع برابر رای شماره ۱۳۹۸/۶۳-۱۳۹۸/۲/۹ موروثی از شعبان دهقان نیری
۲۵۴۷- خانم فاطمه دهقان نیری فرزند علی ششدانگ زمین مزروعی محصور پلاک برابر واقع در نیر جاده مزرعه نو کشتخوان ریحان نیر به مساحت ۵۹۳/۲۰ متر مربع برابر رای شماره ۱۳۹۷/۷۸۹-۱۳۹۷/۱۲/۲۸ خریداری مع الواسطه از حسن برهان مالک رسمی
لذا بدینوسیله در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوقی آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اول این آگهی ظرف مدت ۲ ماه اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک نیر تسلیم و رسید اخذ نمایند و همچنین ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی ذیصلاح تقدیم و گواهی طرح دعوی را تحویل این اداره نمایند در غیر این صورت آراء صادره به مرحله اجراء درآمده و عملیات ثبتی ادامه خواهد یافت همچنین صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر جهت احقاق حق به مراجع قضائی نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۳/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۳/۱۹
سیدمحمد طباتی زاده، رئیس ثبت اسناد نیر
م.الف ۷۷